واژگان مهم درس۱ تا انتهای درس۹ «هشتم»:

ستایش:

۱. دستگیر: یاری گر
۲. پوزش پذید : پذیرنده پوزش
۳. پرستار: مطیع و فرمانبردار
٤. بنی آدم : فرزندان آدم ، انسان
٥. مرغ: پرنده
٦. مور:مورچه
۷. بخت : بهره و قسمت ،اقبال
۸. اندر :در
۹. خلیل : لقب حضرت ابراهیم (دوست خالص)
۱۰. نیل : رودخانه ای در کشور مصر
۱۱. متفَّق: هم فکر و هم رای
۱۲. الهیت : خدایی
۱۳. فرومانده : درمانده و عاجز
۱٤. کنه : ذات ، حقیقتِ چیزی
۱٥. ماهیّت : ذاتو و چیستی
۱٦. ماوراء : آن سو، پشت سر
۱۷. جلال : شکوه و عظمت
۱۸. بَصَر : بینایی ، چشم
۱۹. منتها : آخر
۲۰. جمال : زیبایی
۲۱. تامل کردن : اندیشیدن ، درنگ کردن
۲۲. صفا : پاکی
۲۳. مُحال : ناشدنی ، غیر ممکن

متولیان_فروغ دانش

درس۱ :

۱. خشت : آجر ، آجر خام
۲. برج : ساختمان بلند و قصر
۳. عاج : دو دندان پیش وبالایی فیل ها که خیلی گران بهاست
٤. طنین : آهنگ ، انعکاس صدا
٥. نعره : فریاد
٦. توفنده : پر خروش ، خروشان ،غوغا کننده
۷. نیت : قصد ،آهنگ و عزم
۸. دلگیر : ناراحت و غمگین
۹. خلوت : دور از دیگران
۱۰. ریا : دورویی ،نفاق
۱۱. بوریا : حصیری که از نی می سازند
۱۲. گلیم : نوعی فرش
۱۳. کینه : دشمنی
۱٤. غلام : نوکر ، خدمت کار
۱٥. ارباب : رئیس ، صاحب
۱٦. صحرا : بیابان
۱۷. چَرا : چریدن و علف خوردن حیوانات
۱۸. انبود : بسیار فراوان
۱۹. سراغ : در اینجا به معنی نزد
۲۰. هرگز : ابدا
۲۱. خداوند : صاحب

متولیان_فروغ دانش

درس۲:

۱. دلایل : آن چه برای ثابت کردن امری لازم می آورند
۲. حجت : برهان
۳. شگفتی : عجیب بودن

٤. خالق : آفریننده
٥. بی همتا : بی مانند
٦. اسرار : ج سر به معنی راز ها
٧. حکیمانه : خردمندانه و عالمانه
٨. دیده ها : چشم
٩. چونان : مانند
١٠. روزی : خوراک
١١. در هم بشکنند : از بین بروند
١٢. چندان : آن اندازه
١٣. حدقه : مردمک چشم ، کاسه چشم
١٤. پیشین : جلو
١٥. داس : وسیله تی وبرنده که به شکل منحنی است
١٦. اشیاء : چیزها
١٧. دفع : راندن و دور کردن
١٨. جُثه : بدن و پیکر
١٩. خلقت : آفرینش
٢٠. جایگاه ویژه : مکان مخصوص
٢١. انباشته : پر
٢٢. گویی : انگار
٢٣. ناخدا : گشتی بان
٢٤. خزان : پاییز
٢٥. برافراشته : بلند کرده
٢٦. زر ناب : طلای خالص
٢٧. فراز : بلندی
٢٨. یال : موهای بلند روی گردن اسب و در اینجا به معنی پر های گردن طاووس است .
٢٩. کاکُل : موی جلوی سر ، در اینجا پر های بالای سر طاووس است
٣٠. پندار : وهم ، گمان ، فکر
٣١. جلوه : ظاهر ، پیدایی
٣٢. راستی را : به راستی
٣٣. پدیدار : آشکار

مسئولان_فروغ دانش

۳٤. حیران : سرگشته
۳٥. نَژَند : اندوهگین ، غمناک ، سرد و بی روح
۳٦. نغز : خوب و زیبا
۳۷. گَل کامکار : نوعی گل بسیار سرخ و زیبا
۳۸. تماثیل: ج تمثال ، تصویر ها ، شکل ها
۳۹. قاه قاه : صدای بلند خنده ، قهقهه
٤۰. هِجر: دوری
٤۱. زار زار : با ناله و اندوه گریستن
٤۲. صورتگر : نقاش ، پدید آورنده نقش ها ، در اینجا به معنی خداوند است

درس۳ :

متولیان_فروغ دانش

۱. **دلبند :** دوست داشتنی
۲. **بس**: بسیار
۳. **کهن** : قدیمی
٤. **دیری** : زمان دراز
٥. **درازنا**: طول درازا
٦. **بر می کشد** : بالا می برد
۷. **سپند** : مقدس پاک
۸. **فر**: شکوه
۹. **فروغ**: روشنایی
۱۰. **فرزانگی** : دانایی ، علم
۱۱. **فرهیخته** : ادب آموخته ؛ علم آموخته
۱۲. **فرهیختگی** : با فرهنگ بودن
۱۳. **آزادگان** : جوانمردان
۱٤. **تیره رای** : بد اندیش
۱٥. **خیره روی** : سرکش و گستاخ
۱٦. **ارجمند** : با ارزش

۱۷. **ارمغان** : ره آوردِ سفر و سوغات

۱۸. **فرهنگ** : دانش ، تربیت ، مجموعه آداب و سنن

۱۹. **خامه** : قلم

۲۰. **پیراسته** : پاکیزه

۲۱. **آلایش** :آلودگی

۲۲. **پلشتی** : آلودگی و ناپاکی

۲۳. **کاستی** : کژی ، کمی و نادرستی

۲٤. **ددی** : وحشی گری

۲۵. **والایی** : ارجمندی

۲٦. **خاسنگاه** : مبداء

۲۷. **بخرد** : دانا و عاقل

۲۸. **روشن رای** : نیک اندیش

۲۹. **کانون** : انجمن ، پایگاه

۳۰. **گُرد**: پهلوان ، نیرومند

۳۱. **یلان** : پهلوانان و شجاعان

۳۲. **پر دل** : شجاع

۳۳. **همگنان** : همگان و همه

۳٤. **بن جان** : صمیم دل ، ته دل

۳۵. **تبار** : اصل و نژاد

۳٦. **آزاده** : جوانمرد و نجیب

۳۷. **نژاده** : نجیب و اصیل

۳۸. **دانادلان** : خردمندان آگاه

۳۹. **آزاد اندیشان** : کسانی که بدون وابستگی به گروهی فکر می کنند

٤۰. **نستوه** : خستگی نا پذیر

٤۱. **گرانی** : سنگینی

٤۲. **ستبر**: هیکل درشت و بزرگ و محکم

٤۳. **ستوار** : مخفف استوار ، پایدار و ثابت

٤٤. **هر آینه** : به یقین ، مطمئنا ، بی گمان

متولیان_فروغ دانش

٤٥. **بهروزی**: خوش بختی

٤٦. **تکاپو** : کوشش و رفت و آمد همراه با شتاب

٤٧. **دریغ ورزیدن** : ک.تاهی کردن ، مضایقه کردن

٤٨. **برآمده** : بالا آمده ، پیدا شده

٤٩. **خیرگی**: حیرت و سرگشتگی

٥٠. **هان** و هان : شبه جمله است به معنی آگاه باش

٥١. **خوار** : پست

٥٢. **پوییدن** : رفتن نه با شتاب و نه به آرامی

٥٣. **بی گزند** : بدون آسیب

درس۴:

متولیان_فروغ دانش

١. حکیم : دانشمند

٢. پند : اندرز

٣. هی: آگاه باش

٤. مبادا : برای دور نگه داشتن کسی از انجام کاری

٥. بهره : فایده

٦. نصیب: بهره

٧. اعتبار: آبرو و ارزش و قدر

٨. آرمان : آرزو . امید

٩. منطقی: آن چه از روی منطق وعقل می گویند

١٠. سرشار : پر

١١. اصول: جمع اصل ، ریشه ها

١٢. پر فرازو نشیب : پر از پستی و بلندی

١٣. نشیب : سرازیری

١٤. دائمی: همیشگی

۱۵. مهارت : ماهر بودن در کاری ، استاد بودن

۱۶. آداب : جمع ادب ، رسم ها و روش ها

۱۷. **آراسته** : مرتب

۱۸. **مشقت** : رنج و سختی

۱۹. **نظیر**: مانند

۲۰. **موثر** : اثر گذار

۲۱. **سنجیده** : حساب شده

۲۲. **تدبیر** : اندیشیدن

۲۳. **موقعیت** : فرصت مناسب برای انجام کاری

۲۴. **چیرگی** : مسلط بودن

۲۵. **هیجانات** : رفتار هایی همراه با حالت های عاطفی شدید در برابر موقعیتی غیر منتظره

۲۶. مهار: افسار

۲۷. خلاق **: آفریننده**

۲۸. **طراوت** : شادابی

متولیان_فروغ دانش

درس ۶:

۱. درون مایه : اصل هر چیزی ، محتوا

۲. خاکساری: فروتنی و تواضع

۳. سعادت : خوشبختی

۴. سحر خیز : کسی که صبح زود بیدار میشود

۵. سحر گهان : مخفف سحر گاهان ، هنگام سحر

۶. خدمت : انجام کاری به قصد کمک و احترام

۷. گفته : سخن در انیجا به معنی پند و اندرز

۸. خرسند : قنع و خشنود

۹. تمیز: تشخیص دادن ،آگاه بودن ، پاکیزه بودن
۱۰. عزیز : گرامی و ارجمند
۱۱. چابکی : زیرکی
۱۲. زنهار: واژه ایست برا آگاهی دادن و هشدار ، بپرهیز
۱۳. ضرر : زیان
۱٤. جامه : رختحواب
۱٥. نیک : خوب
۱٦. تامل : درنگ ، اندیشه
۱۷. اندر این باب : در باره این
۱۸. کرده : عمل
۱۹. اندر : در

متولیان_فروغ دانش

درس۷:

۱. دستاورد : حاصل و نتیجه
۲. دگرگون : دارای تفاوت با بقیه
۳. استعداد : توانایی
٤. ابزار : وسیله
٥. چرتکه : وسیله ای که در گذشته برای شمارش اعداد بکار می رفت
٦. چاپار: پیک نامه بر، قاصد
۷. اسطرلاب : ابزاری که دانشمندان علم ستاره شناسی در روزگار قدیم برای تعین موقعیت ستارگان از ان استفاده می کردند.
۸. کارایی: لیاقت ، مفید بودن
۹. عصر: دوره ، زمان
۱۰. چیرگی: غلبه وتسلط
۱۱. رایانه : کامپیوتر
۱۲. فناوری: تکنولوژی
۱۳. تارو پود : اجزای سازنده هر چیز

۱٤. موجودی اجتماعی: موجودی که دسته جمعی زندگی می کند

۱٥. هنجار: روش ، رفتار ، قاعده ، معیار

۱٦. سنت : روش و شیوه

۱۷. اعتقاد : باور داتشن چیزی ، عقیده و نظر

۱۸. معیار : اندازه ، وسیله ای که با آن چیزی را بسنجند

۱۹. دادو ستد: خریدو فروش

۲۰. حریم : مکانی که دفاع از آن واجب است

۲۱. حرمت : احترام ، عزت

۲۲. آراسته : مرتب ، دارای سامان

۲۳. گویی: انگار

۲٤. هویت: واقعیت وجودی هر چیز

۲٥. آداب : جمع ادب ، رسم ها و رش های پسندیده ،عادت ها

۲٦. رهاورد : ارمغان ،نتیجه

۲۷. اینترنت : شبکه رایانه ای فراگیر

۲۸. مظاهر : جمع مظهر ،جلوه ها ،نشانه ها

۲۹. منظره : چشم انداز

۳۰. روح انگیز : شادی بخش

۳۱. جلوه : ظاهر ،پیدایی

۳۲. جمال

۳۳. : زیبایی ،نیکویی

۳٤. کمال : نهایت دانایی ،بی عیب بودن

۳٥. متعالی : بلند مرتبه

۳٦. پوچی : بی ارزش بودن

۳۷. غفلت : فراموش کردن،بی خبری

۳۸. بی هیا هو : بدون صدا

۳۹. کاربران : استفاده کنندگان

٤۰. فضایل : جمع فضیلت ،برتری ها ،خوبی ها

مولیان_فروغ دانش

٤١. حقوق : جمع حق ،رعایت حق دیگران

لغات مهم حکایت:

٤٢. جولاهه : بافنده ،نساج

٤٣. ساعتی : زمانی

٤٤. نزدیک : پیش

٤٥. امیر : حاکم ، پادشاه

٤٦. از پس: به دنبال

٤٧. دولت : نیک بختی

٤٨. ابتدا :آغاز

٤٩. به غلط نیافتادن : اشتباه نکردن

٥٠. انگشتری : در این حکایت به معنای پادشاهی است

مؤلفان_فروغ جان

درس۸:

١. خارکش: کسی که خار را حمل می کند

٢. دلق: نوعی جامه پشمین که فقران میپوشند

٣. درشت : ضخیم

٤. لنگ لنگان " در حال لنگیدن ،آهسته

٥. فرازنده : بلند کننده ، برپا کننده

٦. چرخ : اینجا به معنی آسمان

٧. نوازنده : آن که نوازش و مهربانی کند

٨. نژند : اندوهگین ، غمناک ، سردو بیروح

٩. جیب: گریبان ، یقه

١٠. نظر: نگاه کردن

١١. عزیزی: مورد محبت قرار گرفتن

۱۲. دولت: نیک بختی ، اقبال

۱۳. عزت : سر افرازی / ارجمند

۱٤. حد: اندازه

۱٥. ثنا: ستایش و شکر

۱٦. گوهر: مروارید . اصل

۱۷. عطا: بخشش/ انعام

۱۸. سفتن : سوراخ کردن

۱۹. رخش: در اینجا به معنی اسب

۲۰. پندار: گمان / فکرو وهم

۲۱. خرف: کم عقل / تباهی خرد بر اثر زیادی سن

۲۲. خواری: پستی

۲۳. به: بهتر

۲٤. بالین : بالش/ آنچه هنگام خواب زیر سر می نهند

۲٥. فلان : واژه ایست برای نامیدن شخص ناشناس / بهمان

۲٦. چاشت : صبحانه / یک قسمت از چهار قسمت روز که در آن چیزی می خورند

۲۷. خس: خاشاک / شخص پست و فرومایه

۲۸. افتادگی: تواضع /فروتنی (در اینجا به معنی ناتوانی است)

۲۹. عز: ارجمندی

۳۰. آزادگی : جوانمردی ،آزاد و آزاده بودن

درس۹:

نوجوان باهوش:

۱. سرشناس: معروف

۲. مجالس: جمع مجلس، مکانی که گروهی در آن برای امری جمع می شوند

۳. مکث: درنگ

٤. خرم: شاد ، با طراوت

٥. حلاوت :شیرینی

٦. شاهد: محبوب ، معشوق

٧. لهجه: شکلی از زبان گفتار که با نشانه هایی از زبان محلی تکلم می شود

٨. استعداد: توانایی

٩. ارادت: دوستی از روی اعتقاد و ایمان

١٠. فلسفه: علم به حقایق موجودات به اندازه توانایی بشر

١١. حکمت : دانش و معرفت

١٢. بی نظیر : بی مانند

١٣. سر شار: انباشته

١٤. نامی : معروف و مشهور

آشپززاده وزیر:

١. هیاهو: غوغا و فریاد

٢. سکوت باغ را می شکند :کنایه از بهم زدن آرامش

٣. مکتب خانه: مکانی که در آن کودکان به شیوه سنتی درس می خواندند

٤. یک نفس: بدون توقف

٥. دست و پا شکسته: ناقص و ناتمام

٦. طراوت : شادابی

٧. تعارف: رعایت کردن ادب

٨. خب: باشه

٩. کاشف: آشکار کننده ، کشف کننده

١٠. معلوم : آشکار

١١. تاسف بار: باعث افسوس

١٢. لب گزید: کنایه از افسوس خوردن

١٣. لیاقت : شایستگی

١٤. ثابت کنم: با دلیل چیزی را معلوم کردن

۱۵. رهید ه : ترسیده و فراری

۱۶. انیس: همدم ، انس گیرنده

۱۷. مونس : همدم

۱۸. وجد : شادی

۱۹. هلهله: فریاد شادی

۲۰. صدر اعظمی: نخست وزیری

۲۱. منشاء: محل پیدایش ، اصل

کریه امیز:

۱. امیر: حاکم

۲. نامدار: مشهور

۳. ذکاوت : تیزهوشی

٤. برسر زبان بودن : کنایه از معروف و مشهور بودن

٥. آبله: نوعی بیماری واگیر که بصورت تاول روی پوست بدن ظاهر می شود

٦. شیوع: همه گیر شدن ، فاش شدن ، آشکار شدن

۷. خرافات: باورهای ناشی از ترس و نادانی

۸. واکسینه: واکسن زده شده ، مایه زده شده

۹. از قضا: اتفاقا

۱۰. ماجرا: حادثه و اتفاق

۱۱. رسا: بلند، کلام شیوا

۱۲. خطاب: مخاطب رار دادن کسی، باکسی سخن گفتن

۱۳. حقیقی: واقعی

مغولیان_فروغ دانش

Copy protected with Online-PDF-No-Copy.com